

او که یک ترک بود و من تاجیک
هر دو داشتیم خویشی نزدیک

«جامی»

سیستان، تاجیکستان

در پیوندی تاریخی

پژوهش و نگارش:

دکتر محمد رضا بهاری

استاد زبان و ادبیات فارسی - عضو هیات علمی دانشگاه



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه : بهاری، محمدرضا، ۱۳۲۰
عنوان و نام پدیدآور : سیستان، تاجیکستان در پیرامون تاریخی / وهش و نگارش محمدرضا بهاری.
مشخصات نشر : زاهدان: محمدرضا بهاری، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری : ۱۷۶ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۷۴۲۴-۹
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : سفرنامه‌ها
موضوع : Traveler's writings
موضوع : سیستان -- تاریخ
موضوع : Sistan (Iran and Afghanistan) -- History
موضوع : تاجیکستان -- تاریخ
موضوع : Tajikistan -- History
موضوع : تاجیکستان -- سیر و سیاحت -- قرن ۲۱ م.
موضوع : Tajikistan -- Description and travel -- 21th century
موضوع : ایران -- تاریخ -- سامانیان، ۲۷۹ - ۳۸۹ ق.
موضوع : Iran -- History -- Samanids, 892 - 999
موضوع : ایران -- تاریخ -- صفاریان، ۲۴۷ - ۲۶۵ ق.
موضوع : Iran -- History -- Saffarids, 861 - 879
موضوع : رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ ۹/۸۵ ی/۲۰۲۹ DSR
موضوع : رده بندی دیویی : ۷۴/۹۵۵
موضوع : شماره کتابشناسی ملی : ۴۶۸۶۶۸۱

سیستان، تاجیکستان در پیوندی تاریخی

پژوهش و نگارش: دکتر محمدنور بهار

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

تصویر روی جلد: استاد شهبازی

خوشنویسی روی جلد: استاد مهدی یعقوبی

تایپ: مرکز تایپ اساتید (چاه‌جو)

طراحی جلد کتاب: جناب آقای ایمان خراشادی زاده و سرکار خانم "مهناز" مانست

چاپ: اول ناشر: مؤلف

شمارگان: ۳۰۰۰

چاپ: خوشه

امور فنی نشر: نشر مرنديز ۳۷۲۷۴۷۶۵-۵۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۷۴۲۴-۹

کلیه حقوق برای پدیدآورنده محفوظ می باشد.

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان



۹..... مقدمه

بخش اول:

سفرنامه‌ی تاجیکستان

۱۷.....	سفرنامه‌ی تاجیکستان
۲۹.....	شهر تندیس‌های مفاخر فارسی
۳۵.....	کتابخانه‌ی استاد فردوسی شهر دوشنبه
۳۶.....	تندیس ابوالقاسم لاهی‌تی
۴۰.....	گنجینه‌ی نسخ خطی انستیتو شرق شناسی و میراث خطی آکادمی علوم
۴۲.....	صدرالدین عینی و مکتبیم گورکبی
۴۳.....	اتوبیوگرافی
۴۳.....	صدرالدین عینی
۴۶.....	دکتر علی اصغر شعر دوست
۴۷.....	فعالیت‌های کشوری، فرهنگی و اجتماعی
۴۷.....	نشانه‌ها
۴۸.....	تألیف بیست و سه عنوان کتاب در حوزه‌های ادبیات، تاریخ، زبان فارسی در ماوراءالنهر
۵۰.....	مراسم بزرگداشت جلال اکرامی نویسنده‌ی نامدار تاجیکستان برنده‌ی جایزه‌ی رودکی
۵۰.....	آثار جلال اکرامی
۵۷.....	دانشگاه ملی تاجیکستان
۶۶.....	روز استقلال تاجیکستان
۷۶.....	باغ بوتانیک «دوشنبه»
۷۸.....	تاجیکستان - شهر دوشنبه
۷۹.....	دوشنبه، شهر فواره‌های زیبا

بخش دوم:

سیستان و تاجیکستان در پیوند تاریخی

- ۸۷..... سیستان و تاجیکستان در پیوندی تاریخی
- ۸۹..... قبایل تاجیک در سیستان و بلوچستان
- ۸۹..... تاجیکها و جنگهای قدیمی
- ۹۰..... تاجیکها در بلوچستان
- ۹۱..... روایات دهوارهای زک
- ۹۱..... تأثیر محیف در رفتار تاجیکها
- ۹۲..... ازدواج ازبکها با تاجیکها و عادات سرتها
- ۹۳..... انسان آلپانی (مرد کوهستان)
- ۹۳..... انسان شناسی نسل شرقی ایران
- ۹۵..... تفاوت تصویری سیستانیان و قندهاریها
- ۹۶..... تواجیک بخارا

بخش سوم:

سیستان، تاجیکستان، صفاریان، سامانیان

- ۱۰۷..... سیستان - تاجیکستان - صفاریان - سامانیان
- ۱۱۱..... صفاریان
- ۱۱۷..... فروپاشی صفاریان
- ۱۲۳..... نقش رویگر زاده سیستانی (یعقوب لیث) در تاریخ ادبیات فارسی
- ۱۲۹..... فرهنگ و ادبیات
- ۱۳۱..... بسم کورد:
- ۱۳۲..... محمد بن مخلد
- ۱۳۲..... فیروز مشرقی
- ۱۳۳..... ابوسلیک گرگانی
- ۱۳۴..... سازندگی صفاریان

۱۳۶	گستره فرمانروایی سامانیان
۱۳۶	سامانیان
۱۳۷	نابودی حکومت طاهریان
۱۳۷	نصر یکم بنیانگذار سلسله سامانی
۱۳۸	زبان فارسی در دوره‌ی سامانیان
۱۳۹	تاجیکستان در دوره‌ی سامانیان
۱۴۰	حرکت فرهنگی سامانیان و گسترش زبان فارسی
۱۴۱	فارسی‌ری
۱۴۳	زبان عربی
۱۴۳	تاجیکستان مهد و زادگاه زبان فارسی
۱۴۴	فتوای علمای ماوراءالنهر درباری زبان فارسی و اسلام
۱۴۶	نخستین آثار فارسی
۱۴۸	تاجیکستان در دوران اسلامی
۱۵۰	واژه‌ی تاجیک و نام تاجیکستان
۱۵۱	پیشینه‌ی نژادی
۱۵۴	ادبیات تاجیک در قرون ۱۶ تا ۲۰ م.
۱۵۶	رودکی بنیان‌گذار شعر فارسی
۱۵۸	سبک رودکی
۱۵۸	پیشینه‌ی زبان فارسی در تاجیکستان
۱۶۰	سامانیان تاجیکستان مشوقان گسترش زبان فارسی
۱۶۰	ایران در آثار ادبی معاصر تاجیکستان
۱۶۸	تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی در آسیای مرکزی
۱۶۸	مشاهیر علم و فرهنگ آسیای مرکزی و خراسان
۱۷۰	پیشینه‌ی هنری

۱۷۰	صنایع دستی تاجیکستان
۱۷۰	سابقه‌ی ادبی
۱۷۲	فهرست منابع

مقدمه

در سال‌های ۲۰۰۸ تا پایان ۲۰۱۱ م به دلیل گِره خوردن زندگی ام با دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی همراه تدریس و پژوهش، ترددهای فراوانی را با بود و باش در تاجیکستان به صورت فردی و گاه به اتفاق اعضای خانواده، بدنبال داشت.

از همان آغاز آشنایی و ارتباط با این مردم خوش ذوق و خوش اندیش، این مردم شاعر و شعر دوست تأثیر ویژه‌ای را بر من و بر حساسیت‌هایم گذاشت.

پیوند و خویشاوندی که صرفاً از مناسبتی و فرهنگی مشترک ایجاد شده بود، چرا که می‌دانستم تاجیک یعنی ایرانی، می‌دانستم که تاجیکستان پاره‌ی تن ایران است. می‌دانستم و خوانده بودم «ایران، تاجیکستان یعنی یک روح در دو کالبد».

می‌دانستم که به قولی

ما دو جسمیم ولی، یک دل و یک جان هستیم

ما همان بلخ و بخارا و خراسان هستیم

به یقین رسیده بودم تاجیکستان از کهن‌ترین مردم نژاد آریایی و ایرانی اصل هستند. باور داشتم، تاجیک‌ها نماینده‌ی تمدن و فرهنگ ایرانند.

از آن جهت:

که در سال‌های تدریس در دانشگاه، خاصه در درس تاریخ و ادبیات زبان فارسی متوجه بودم هرگاه سخن از شعر و شاعری به میان می‌آید از هر ده شاعر و نویسنده که به زبان شیوای فارسی شعر گفته‌اند و سخن رانده‌اند نه نفر آنها به این محدوده‌ی دیروز سرزمین بزرگ کشورم، یعنی



ماوراءالنهر و سمرقند و بخارا متعلق بوده‌اند. که دیرگاهی است متأسفانه مثل بخش‌های دیگر این سرزمین در طول تاریخ و حوادث روزگار از پیکر وطنم جدا گشته و دور افتاده‌اند. و امروز اگر بگویم:

مرا با تو سروکاری نیست در و دیوار گواهی بدهد، کاری هست می‌دانستم که به قول آقای ابراهیم خدایار رایزن فرهنگی ایران:

ما «دو دولت و دو کشور به یک زبان و فرهنگ مشترک هزار ساله، هستیم»
و به قول حضرت ولانا:

ترسم ای فصّادِ گِرنَصدم کنی
داند آن عقلی که او دل روشن ست
نیش را ناگاه بر لیلی زنی
در میان لیلی و من فرق نیست
من کیم لیلی و لیلی کیست من
ما یکی روحیم اندر دو بدن

این پیوند عمیق و خویشاوندی نامرئی به گونه‌ای بود که در طول این سال‌ها هرگز در تاجیکستان احساس بیگانگی نکردم و این نام‌دانشان مرا بر آن داشت یادداشت‌های خود را تحت عنوان «سفرنامه‌ی تاجیکستان» در ویژه‌نامه‌ی نوروز ۱۳۸۹ خورشیدی صبح زاهدان که از نظر خواهد گذشت به چاپ برسانم.

نکته‌ی دیگر اینکه بعدها به کتاب «سیستان» جلد دوم اثر جی. پی. تیت نقشه‌بردار انگلیسی کمیسیون حل اختلاف مرزی بین ایران و افغانستان که بین سال‌های ۱۹۰۳-۱۹۰۵ میلادی در سیستان بسر می‌برده است، دست پیدا کردم که باهتمام استاد غلامعلی رئیس، لذا کین پس از عدم توفیق دست‌یابی به زبان انگلیسی متن، از نسخه‌ی ترجمه‌شده‌ی کتاب فوق‌الذکر به زبان اردو، آگاهی می‌یابد و از آنجا که ترجمه‌ی کتاب توسط جناب «فاضل» بیش از ۲۷ صفحه انجام نگرفته مشخصاً عهده‌دار ترجمه، متکی بر دوستان فاضل، «محمد الیاس» دانشجوی دوره‌ی دکتری دانشگاه مشهد و سپس توسط پروفسور «انوردومان» به فارسی می‌شود و در مقدمه یادآور می‌گردد: «جی. پی. تیت» با شناخت و آگاهی کامل از آثار مؤلفین و مصنفین ایرانی و اروپایی و نیز استفاده از روایات تاریخی که دهان به دهان و سینه به سینه وقایع تاریخی و رویدادهای منطقه را حفظ کرده‌اند، به تألیف کتاب سیستان مبادرت می‌ورزد و براساس این سخن استاد رئیس

الذاکرین که «جز موارد خاصی که صرفاً از ایده و نیت استعماری کشور متبوع وی، یعنی انگلیس آبیاری شده و خود او نیز موظف بوده است که این اهداف سیاسی را القا و یا در اذهان فرو کند در بقیه‌ی موارد کمتر دچار لغزش شده بخصوص تحقیقات وی در قسمت آثار باستانی و ذکر ساکنین منطقه از هر جهت در خور تحسین است»^۱

آنچه مرا نیز به تحسین واداشت بخش دوم (حصّه چهارم) مردم سیستان و طوایف موجود در سیستان از جمله تاجیک‌ها، جُت‌ها، گوجرها و اهیراها بود.

از آنجا که موضوع مورد توجّه و مطالعه‌ی من، تاجیک‌ها بودند، پس از مطالعه‌ی این بخش و بهره‌مندی تماماً از این کتاب بر رابطه‌ی تاجیک‌های سیستان و بلوچستان با تواجیک سمرقند و بخارا دست پیدا کردم. رمز و راز این پیوند دیرین تاریخی را که در ابتدا عرض کردم موجبات قربابت و نزدیکی بژهای بین من سیستانی و مردم تاجیکستان فراهم می‌آورد را بیشتر در خود احساس نمودم و مردم ایران را بیشتر از گذشته با مردم تاجیکستان در یک پیوند خویشاوندی یافتیم.

بخش سوم این کتاب، ارتباط سیستان با تاجیکستان از دیدگاه تاریخی را دربر می‌گیرد چرا که سیستان دیروز، امروز میان سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان تقسیم گردیده و سیستان به دلیل شرایط خاص جغرافیایش در حال حاضر این سه کشور همسایه را در یک نقطه به هم پیوند داده است.

نقش تاریخی سیستان در تاریخ ایران باستان قرون نخستین اسلامی، خاصّه در دوره‌ی صفاری براساس تحقیقات نسبتاً جامعی که در داخل و خارج ایران صورت گرفته تا حدودی بر کسی پوشیده نیست اما اطلاعات این سرزمین پس از سقوط صفاریان با وجود آنکه اهمیت زیادی در تحولات شرق ایران برخوردار بوده، بسیار اندک است.

در این بخش نیز قصد دارم براساس آورده‌های تاریخی نگاهی داشته باشم به حکومت سامانیان تاجیک تبار.

^۱. (رئیس الذاکرین - کتاب سیستان - جی بی نیت)



چرا که تاریخ سیستان تا امروز مورد بی مهری قرار گرفته و تحقیق جامعی در مورد آن صورت نگرفته است اما با عنایت به برخوردها و روابط تنگاتنگ تاریخی ملوک سیستانی با قدرت‌هایی چون غزنویان، سلجوقیان، غوریان، خوارزمشاهیان، اسماعیلیان، مغولان، ملوک کُرت، تیموریان، ترکمانان، ازبکان، صفویان و تیموریان هند، بنده با شناخت اندک تاریخی قصد پرداختن به آن مباحث را ندارم ولی از آن جهت که سردارِ سلحشور ایرانی رویگر زاده‌ی سیستانی، «یعقوب لیث صفاری» با بهره‌گیری از نیروهای موجود در سیستان چون عیاران، خوارج و مطوَّعه موجبات راندن تازیان از سیستان و سایر بلاد ایران را فراهم آورد، همیشه از منظر مردم سیستان مایه‌ی فخر و سربلندی و عزت و افتخار بوده و در عصر و روزگاری که در آن بسر می‌بریم نیز، آثار آن حرکت بزرگ تاریخی مشهود است. به همین دلیل قصد دارم به بخشی ازدوره‌ی صفاریان و سامانیان نیز اشاراتی داشته باشم. خاصه، که حرکت قیام گونه‌ی یعقوب در تاریخ و زبان ایران اثری ماندگار بر جای گذاشت که هرگز از خاطر ما محو نخواهد شد و به قولی اگر یعقوب می‌توانست وارد بغداد گردد «تاریخ، امروز» را به شکل دیگری بود. مردم سیستان به یاد آن حماسه‌آفرین بزرگ و بزرگداشت آن گرامی قهرمان وضوئی در ابتدای ورودی سیستان ایران (زابل) تندیس این ابرمرد تاریخ را در حالیکه بر اسبی سوار است و شمشیری بر کف دارد و به افق‌های دور، چشم دوخته نصب کرده‌اند که نمادی از غرور ملکی و وطن‌پرستی است متأسفانه پس از وفات یعقوب در سال ۲۶۸ هـ - ق حکومت صفاری چندان دوام نداشت و با شکست و اسارت عمرو بن لیث در سال ۲۸۷ هـ - ق به دست امیر اسماعیل سامانی - بنو سامانیان به سیستان و فارس محدود گردید. جانشینان عمرو حتی توانایی حفظ این قلمرو را نیز نداشتند و پس از مدتی، فارس نیز از چنگ آنان خارج شد و سرانجام پس از تصرف سیستان در سال ۲۹۸ هـ - ق توسط احمد بن اسماعیل سامانی به حکومت صفاریان تقریباً به طور موقت پایان داده شد.

به این صورت اقتدار و استیلای سامانیان بر منطقه‌ی سیستان پس از چندین سرکشی و شورش و طغیان مسلحانه استوار شد و به این ترتیب سرحدات جنوبی قلمرو سامانیان به سرحدات جنوبی منطقه‌ی سیستان، عقب نشست.

با این نگاه:

می‌بایست حکومت سامانیان تاجیک تبار را نیز مورد مطالعه و مدنظر قرار داد چرا که به حکومت صفاریان پایان دادند. آنگاه که سپاه سامانیان به سیستان وارد شدند، در اولین وهله، به دلیل بیداد و ظلم محمد بن علی بن لیث به ناحیه ی بُست، حرکت کردند و سپاه بنی لیث با وجود تمام تدابیری که برای ممانعت از ورود سپاه سامانی انجام داد، به دلیل عدم همراهی مردم و کمک گسترده ی توده‌ها نتوانستند مانع ورود سپاه حسین بن علی مروودی به آن شهر شوند، تجربه ی نظامی حسین مروودی و سپاه سامانی، آنان را به پیروزی کشید و محمد بن علی ابن لیث به اسارت سامانیان درآمد. تسلیم معدل بن علی به سامانیان به منزله ی استیلای همه جانبه و کامل سامانیان بر سیستان به معنای محو دوانی نیز به امارت سیستان و ولایتمداری سامانیان در آنجا دست یافت و در هر حال در سال ۲۹۹ هـ / ۹۸۱ م سیستان تحت قلمرو و استیلای سامانیان درآمد.

همان عرق و غرور ملی که مردم سیستان به وجود یعقوب در خود حس کردند و می کنند مردم تاجیکستان به حکومت سامانیان در آنجا و برای به نمایش گذاشتن چنین امتیازی امروزه مردم تاجیکستان با نصب تندیس بزرگ و اعطای پادشاهی اسماعیل سامانی در میدان وسیع شهر «دوشنبه» تاجیکستان به عنوان نماد بر آن فخر می فروشند. با این اندیشه که حکومت سامانی موجب گردید زبان فارسی دری بعنوان یک زبان استاندارد (معیاری) در سی، قوام گیرد و به زودی از محدوده ی یک زبان قومی و قراقومی بگذرد و نماد دو زبان مشترک و عمومی برای تمام مردم منطقه که از هر تیره و تباری بودند، تبدیل شود.

مردم تاجیک بر این باورند که امرای سامانی به قول «شنبلی نعمانی» به زیور فضل و کمال آراسته بودند.

مطلب دیگر نگاهی به فرهنگ و تاریخ زبان فارسی در تاجیکستان بود چرا که تاجیکستان مهد و زادگاه زبان فارسی است و این بر کسی پوشیده نیست، زادگاه زبان فارسی مشرق، فلات ایران است و نخستین شاعران و نثرنویسان از این دیار برخاسته اند. زبان و ادب فارسی در ماوراءالنهر در قرن چهارم هجری با پدید آمدن شاعرانی «چون رودکی» و نویسندگانی چون «بلعمی، جیهانی و



عتبی) یکی از پرشکوه ترین دوران خود را پشت سر گذاشت و این زبان با پدید آمدن شاعران و ادیبان بزرگ، دوره‌ای از رشد و کمال خود را طی کرد.

در اهمیت و گسترش زبان فارسی در ماوراءالنهر قرن چهارم هجری، همین بس که، اولین بار تفسیر کبیر و تاریخ طبری به عنوان دو کتاب اساسی برای مسلمانان در ماوراءالنهر به فارسی ترجمه شد، زبان فارسی رایج در بخارا و سمرقند از قرن چهارم هجری زبان دری بود که ترکیبی از واژه های عربی و سغدی و خوارزمی را با خود داشت و این زبان در ماوراءالنهر خوارزم و خراسان تقریباً مشترک بابا بهم بود.

در نهایت ضمن به شمردن شخصیت های علمی و ادبی فرهنگی این محدوده از سرزمین گذشته- ی ایران، چنانچه مقدور گردد به زادگاه و شرح حال بسیاری از نویسندگان، شاعران و اندیشمندانی که روزگاری به این حوزه ی جغرافیایی قدم ایران، قدر و منزلت بخشیده اند، خواهیم پرداخت. بنظر می رسد هر کس شناخت کامل از سرزمین به این محدوده از سرزمین گذشته ایران که امروز تاجیکستان خوانده می شود نداشته باشد قطعاً تاریخ و ادبیات ایران بیگانه است.

دکتر. حمدرضا بهاری